



به یادیل نیومن (۱۹۵۸-۱۹۱۵)
 بازیگر تقدیرنامه‌های جوان

بازیگری برای پنج دهه

حسین گیتی

«یک نفر آن بالا مرا دوست دارد» (۱۹۵۶) و «تابستان گرم و طولانی» (۱۹۵۸) را از او دیده و تازه در نشریات با نام، بازی و زندگی او آشنا شده بودم؛ جوان و شاداب با دو چشم آبی‌رنگ و تحرک و انعطاف‌پذیری در نقش، اما هنوز به بازی فوق‌العاده‌ی او پی نبرده بودم. مجله‌ی «فیلم و هنر» در اوایل دهه‌ی چهل خورشیدی در مقدمه‌اش نوشته بود که: «ما مجبوریم از شماره‌ی آینده یک ریال به قیمت مجله بیفزاییم». وقتی ۱۴ ساله بودم بی‌صبرانه در آن شهر کوچک در کنار تنها دکه‌ی روزنامه‌فروشی که کتاب و نوشت‌افزار هم عرضه می‌کرد در انتظار این نشریه بودم. مجله رسید، اصلاً همان‌جا بودم که مأمور بست بستگی مجله را به دست کتابفروش داد. وقتی گشوده شد ۶ ریال در دست داشتم، زیر لوگوی مجله درشت نوشته شده بود «۶ ریال» و عکس بزرگ از چهره‌ی «پل نیومن» را روی جلد داشت. مبدأ گرانی مجله‌ی فیلم و هنر از ۵ ریال به ۶ ریال از عکس پل نیومن شروع شد و سال‌های بعد این افزایش قیمت ادامه داشت و من پیش خود می‌گفتم: «پل نیومن مجله را گران کرد!» بعدها دانستم که او بازی تکنیکی و شیوه‌گرایی دارد و در ازدواج ثابت‌قدم است و طبق نظرات خود و همسرش سال‌ها در کنار هم زندگی خوبی را تجربه کرده بودند. طولانی بودن ازدواج پل نیومن

و «جوان وودوارد» باعث شد که چندین بار تقدیرنامه و تشویق‌نامه‌هایی از طرف سازمان‌های خانوادگی و بنیادهای ازدواج دریافت کنند. او غیر از بازیگری دلمشغولی دیگری هم داشت؛ در عمر طولانی و پرکار خود از رانندگان حرفه‌ی مسابقات اتومبیلرانی بود.

جوان وودوارد (متولد ۱۹۳۰) از سال ۱۹۵۸ وقتی ۲۸ سال بیشتر نداشت با پل نیومن که ۳۳ ساله بود پیمان ژانوشویی بست که تا مرگ پل نیومن ادامه یافت. تحصیلات او در رشته‌ی مد و لباس بود و سال‌ها در برادوی بازی کرد و یک سال قبل از ازدواج برای فیلم «سه چهره‌ی حوا» (۱۹۵۷) بهترین بازیگر زن شناخته شد و برنده‌ی اسکار گردید. در سال‌های اولیه‌ی آشنایی و ازدواج به اتفاق پل نیومن در فیلم‌های «تابستان گرم و طولانی» (۱۹۵۸) و «نگاهی از تراس» (۱۹۶۰) بازی کرد. وقتی پل نیومن برای فیلم «راشل راشل» (۱۹۶۸) به پشت دوربین رفت و کارگردان شد در فیلم شوهر خود هم بازی کرد.

ازدواج جوان وودوارد با پل نیومن (۱۹۵۸ تا ۲۰۰۸) که ۵۰ سال طول کشید، رکوردساز بود و بادوام‌ترین زندگی مشترک هالیوود را در کارنامه‌شان ثبت کرد. از ضایعات زندگی این زوج مرگ پسر بزرگشان بود که بر اثر افراط در مصرف مواد مخدر درگذشت و تا سال‌ها آن را در اندوه فرو برد. پل نیومن

پس از مرگ پسرش و ضربه‌ی که از این جانب به او خورده بود، «بنیاد اسکات نیومن» را برای معتادان و ترک آنان به نام فرزندش تأسیس کرد که کار اصلی آن رسیدگی به وضع معتادان بود.

پل نیومن پس از گذراندن دوران سرکشی و زندگی پس از جنگ ویرانگر به سینما رو آورد و اولین فیلمی که در آن به ایفای نقش پرداخت، راضی‌کننده نبود، اما این باعث نشد که او راه ستاره شدن را برای خود هموار نکند. او خیلی زود جایگاه خودش را به دست آورد و به یکی از ستاره‌های ماندگار دنیای سینما تبدیل شد.

پل نیومن با نامزد شدن در ده شاخه‌ی اسکار به یکی از بزرگ‌ترین ستارگان دوران طلایی هالیوود تبدیل شد. او با برخی از بزرگ‌ترین کارگردانان تاریخ سینما از «آلفرد هیچکاک» گرفته تا «جان هیوستون» و از «مارتین اسکورسیزی» تا «برادران کوئن» توانست همکاری کند. او در سال ۱۹۸۷ به خاطر فیلم «رنج پول» اسکار گرفت، در واقع این فیلم نوعی دنباله‌سازی «بیلیاردباز» بود. دو جایزه‌ی افتخاری اسکار به او اعطا کرده بود، او آخرین بار برای فیلم «جاده‌ی به سوی تباهی» نامزد اسکار شده بود.

پل نیومن چون بسیاری از بازیگران هالیوود، از جلوی دوربین به پشت دوربین رفت و به



کارگردانی رو آورد. او از سال ۱۹۶۸ تا سال ۱۹۷۳ سه فیلم سینمایی را کارگردانی کرد: «راشل راشل» (۱۹۶۸)، «گاهی یک تصویر بزرگ» (۱۹۷۱) و «تأثیر اشعه‌ی گاما روی گل‌های مینا» (۱۹۷۳). با توجه به این که هیچ کدام از این سه فیلم پیروزی به دنبال نداشت، او پس از سال ۱۹۷۳ فیلمسازی را کنار گذاشت و باز در مقابل دوربین ظاهر شد. به دلیل عمر طولانی پل نیومن، آثار سینمایی‌اش فهرست بلندبالایی دارد، اما می‌توان به اجمال این فیلم‌ها را نام برد: گربه روی شیروانی داغ (۱۹۵۸)، اکسدوس (۱۹۶۰)، بیلیاردباز (۱۹۶۱)، پرندهی شیرین جوانی (۱۹۶۲)، ماجراهای یک مرد جوان (۱۹۶۲)، هاد (۱۹۶۳)، نوع جدید عشق (۱۹۶۳)، محاکمه در آفتاب (۱۹۶۴)، هارپر (۱۹۶۶)، لوک خوش‌دست (۱۹۶۷)، مردان حادثه‌جو (۱۹۶۹)، تیش (۱۹۷۳)، پنج نفر (۱۹۷۹) و ...

به علت عمر طولانی پل نیومن و ورود به عرصه‌ی شناخت سینما و البته لذت بردن از آن، دوره‌ی طولانی شادمانی با سینما را با فیلم‌ها، عکس‌ها، نظرها و مصاحبه‌های او سرکردم. از «هاد» (۱۹۶۳) خاطره‌ی خوب توأمان با عذاب دارم. این فیلم را «ماترین ایست» ساخته بود. صد کیلومتر جاده‌ی کوهستانی پرپیچ و خم را آن هم عقب پیکاب (وانت) به خاطر ارزانی سفر، به اهواز طی طریق کردم تا آن را در سینما «کارون» - که در میان جنگ تحمیلی بمب خورد و ویران شد و اکنون پاساژی جایش برپاست - ببینم. پل نیومن با آن هیبت، با لباس راحتی و کلاه‌شاپو در کنار «پاتریشا نیل»، ارزش رنج سفر را داشت. هاد روایتی گیرا از اضمحلال اخلاقی غرب مدرن است همراه با نگاهی صریح و نومیدانه به تضاد نسل‌ها که به تصویر شوریده‌یی نایل آمده بود. هومر گله‌دار پیر در اداره‌ی امور مزرعه‌ی خود دچار مشکل است و هاد (پل نیومن) پسر بی‌بند و بارش به جای کمک به او دنبال نوشخواری و خوشگذرانی‌اش است.

پس از دیدن فیلم هاد، از بازی پل نیومن خرسند بودم اما از این که به پدر بی‌مهری می‌کرد ناراحت. سر چهارراه امام - پهلوی سابق - سراغ نشریات قدیمی رفتم. فروشنده همیشه چند کارت‌ن از نشریات گذشته داشت. سراغ نشریات سینمایی را گرفتم، کارت‌ن

را نشانم داد. با چانه زدن می‌توانستم دست کم ۱۳ جلد مجله بخرم. طی جست‌وجویی، آفیش فیلم هاد را دیدم و بی‌درنگ آن را خریدم.

پل نیومن در نقش‌های گوناگون و متنوع ظاهر شد که هر کدام کاراکتر ویژه‌ی داشتند. مگر می‌شود با عصا رفتن او را در «گربه روی شیروانی داغ» فراموش کرد.

یک ماه و نیم پیش که خبرگزاری‌ها از وخیم شدن بیماری‌اش خبر دادند و به‌ویژه با این گفته‌ی او که می‌خواهد در خانه بمیرد، تحریک شدم که در رئایش بنویسم اما نشد و مشمول زمان شد. فوری به «الیزابت تیلور» فکر کردم که از سال ۱۹۸۵ تا کنون چند بار قرار شد بمیرد و نمردا گفتم شاید بیماری‌اش طولانی شود. به آلبوم عکس‌های بازیگران دوران نوجوانی فکر می‌کنم که در خانه‌ی در خرمشهر زیر آوار ماند. آن وقت این آلبوم به دوستی امانت داده شده بود. نه از آن آلبوم خبری شد نه آن دوست و اکنون که پل نیومن دیگر نیست ...

۸ آگوست ۲۰۰۸ خبر رسید که پل نیومن، بازیگر مشهور هالیوود، دوره‌ی شیمی‌درمانی‌اش را در بیمارستان نیویورک نیمه‌کاره رها کرد و اعلام کرد «می‌خواهد در خانه‌اش بمیرد». پل نیومن که بیش از یک سال بود به سرطان مبتلا شده بود در سن ۸۳ سالگی درگذشت. قرار بود که در نمایش «موش‌ها و آدم‌ها» بر اساس رمان «جان اشتاین‌بک» روی صحنه

برود که سرطان مهلتش نداد. وقتی روی ویلچر از بیمارستان خارج می‌شد همسرش جوان وودوارد گفت: «پل نیومن طی هفته‌های اخیر به کارهای خود سر و سامان داده که برخی از کارهای او باعث ایجاد نگرانی و تنش میان فرزندان‌ش شده است». این تنش ناشی از میراثی است که او از خود به جا گذاشته است.

مدتی در بیمارستان بستری بود که گفت باید به خانه برگردد و در خانه بمیرد اما او در خانه چشم از جهان نیست بلکه در بیمارستان از دنیا رفت. او برای سینمادوستان دست کم ۵ دهه خاطرات فراوانی را از شخصیت‌های مختلف بر پرده‌ی سینما به‌جای گذاشت.

پل نیومن در سال ۱۹۲۵ در اوهایوی آمریکا زاده شد. تحصیلاتش را در رشته‌ی هنرهای نمایشی به پایان رساند. در طول جنگ جهانی دوم به مدت سه سال مسئول رادیو در اقیانوس آرام بود. از سال ۱۹۴۹ وقتی ۲۴ ساله بود به تئاتر رو آورد و روی سن رفت. از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۲، فروشگاه پدر را اداره کرد و فروشنده شد. وقتی از مدرسه‌ی تئاتر «بیل» فارغ‌التحصیل شد برای اجرای چند نمایش روی سن رفت. برای اولین بار در سال ۱۹۵۵ وقتی ۳۰ ساله بود به سینما رو آورد و بازیگر سینما شد. با همسر اول مدت کوتاهی زندگی کرد اما تا پایان زندگی در کنار همسر دومش جوان وودوارد ماند ■